

عینیت‌گرایی در حرفه حسابداری

مجید بهبهانی زاده^۱، مصطفی قاسمی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد واحد بوشهر، ایران

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد واحد بوشهر، ایران

چکیده

عینیت‌گرایی یکی از اصول پذیرفته شده در حرفه حسابداری می باشد و عینیت به عنوان یک مفهوم در رابطه با پدیده‌هایی است که در حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این اصل بیان می‌شود که در ارائه گزارش‌های حسابداری باید از داده‌های عینی، سنجیدنی و واقعی استفاده شود. به بیانی دیگر، حسابداران، گزارش‌ها و سیستم‌های حسابداری را دقیق و بدون تکیه بر ذهنیت خود ارائه دهند. همه رشته‌های علوم اجتماعی، از جمله حسابداری، را می‌توان با توجه به مفروضات مرتبط با ماهیت علم، دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی یا ذهنی، و در مورد ماهیت جامعه، دیدگاه مبتنی بر تغییرات منظم و با قاعده در مقایسه با تغییرات شدید افراطی، تجزیه و تحلیل کرد. دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی دارای مشخصاتی نظیر دیدگاه‌های اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی، جبرگرایی و شامل علوم دقیق می‌باشد و نیز قضاوت‌های ذهنی، شامل دیدگاه‌های غیر اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی اختیاری و نیز بر مبنای اندیشه و عقل استوار است. قابل توجه است که از دیدگاه‌های مطرحه، دیدگاه ساختارگرایی افراطی و کارکردگرایی دارای دیدگاه عینی هستند و نیز دیدگاه انسان‌گرایی افراطی و تفسیرگرایی دارای دیدگاه ذهنی هستند.

واژه‌های کلیدی: عینیت، ذهنی، عینیت در حسابداری

مقدمه

بارل و مورگان اظهار داشتند که رویه‌های حسابداری که بر گزارش‌های حسابداری تأکید می‌کنند، باید به دیدگاه عینیت‌گرایی توجه ویژه ای کنند. به گفته مورگان، حرفه حسابداری می‌تواند با مواجهه با ذهنیت در زمینه حسابداری به چالش مفهوم عینیت پاسخ دهد (ایجیری و جیدیک، ۱۹۶۶). برای تهیه گزارش حسابداری عینی‌تر، سیستم‌های حسابداری باید طوری طراحی شوند که در برابر مداخلات مدیریتی عمدی کمتر آسیب‌پذیر باشند (لیانگ و ژانگ، ۲۰۱۹). مضافاً بر اساس دیدگاه بارل و مورگان، دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی، دارای مشخصاتی نظیر دیدگاه‌های اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی جبرگرایی و شامل علوم دقیق می‌باشد و نیز قضاوت‌های ذهنی، شامل دیدگاه‌های غیر اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی اختیاری و نیز برمبنای اندیشه و عقل استوار است (لاریمی و محسنی، ۱۳۹۳). قابل توجه است که از دیدگاه‌های مختلف، دیدگاه ساختارگرایی افراطی و کارکردگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه عینی هستند و نیز دیدگاه انسان انسان‌گرایی افراطی و تفسیرگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه ذهنی هستند (فروغی و رهروی دستجردی، ۱۳۹۸). اصل عینیت با پذیرش دگرگونی‌ها در مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، مفهومی‌کش‌دار است که باب بحثی مستقل و مجزا را از سایر قواعد را باز کرده است (شرفالدین و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، این اصل به رغم قدمت، همچنان در منابع علمی مورد بحث، ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی پرداخته است. دقیقاً به دلیل همین جایگاه برجسته و محوریت در جلب بی‌وقفه دیدگاه‌ها و انتظار است که عینی‌گرایی لازم و ضروری می‌باشد (امبروسیو، ۲۰۱۴).

اصل عینیت با پذیرش دگرگونی‌ها در مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، مفهومی‌کش‌دار است که باب بحثی مستقل مجزا از سایر قواعد را باز کرده است (شرف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، این اصل به رغم قدمت، همچنان در منابع علمی مورد بحث، ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی پرداخته است. دقیقاً به دلیل همین جایگاه برجسته و محوریت در جلب بی‌وقفه دیدگاه‌ها و انتظار است که عینی‌گرایی لازم و ضروری می‌باشد (امبروسیو، ۲۰۱۴).

واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی

بخشی از جهان واقعی تنها به واسطه توافق و پذیرش انسانها وجود دارند. رویدادهایی همانند پول و مالکیت تنها به این دلیل وجود دارند که انسانها آنها را موجود می‌دانند. برای نمونه اگر انسانها تکه کاغذ را پول محسوب نکنند، تنها تکه کاغذ هستند و با کاغذ پاره‌های دیگر تفاوت ماهوی نخواهند داشت. با این حال، بسیاری از واقعیت‌های ناظر بر این رویدادها، واقعیت‌های عینی است؛ به این معنا که وابسته به خواست و پسند افراد نیست. این واقعیت‌ها را واقعیت‌های اجتماعی می‌نامند. در برابر این واقعیت‌ها، واقعیت‌های طبیعی قرار دارند؛ مانند این واقعیت که ((کوه اورست در قله اش برف و یخ دارد)). واقعیت‌های طبیعی مستقل از هر نهاد انسانی وجود دارند و وابسته به هیچ‌گونه توافق و اعتباری نیستند (سرل، ۱۳۹۵).

عینیت

حسینعلی نودری برای واژه عینیت دو مفهوم ذکر کرده است "نخست چیزی شبیه و مطابق با واقع یا واقعیت که در حوزه کاربردی مفهوم متضاد آن ذهنی است. دوم معنایی که توسط هر فرد آگاه و منطقی قابل تصدیق و اثبات پذیر است و متضاد آن تحکمی است" پیتر نوویک پژوهشگر آمریکایی مفهوم عینیت را اینطور تعریف می‌کند:

اعتقاد به واقعیت گذشته، و به حقیقت چونان مطابقت با آن واقعیت، جدایی و تمایز دقیق و روشن میان شناسنده و موضوع شناخت، میان واقعیت و ارزش و مهمتر از همه میان تاریخ و پندار، واقعیت های تاریخی مقدم بر و مستقل از تفسیر است. حقیقت واحد است نه وابسته به چشم انداز و زاویه نگاه. هر الگویی در تاریخ وجود داشته باشد، پیدا می شود، ساخته نمی شود. والش عینیت را از ویژگی هایی می داند که باید هر علمی از آن برخوردار باشد و در توضیح این مفهوم عنوان می کند، منظور از عینیت این است که امور دارای کیفیتی باشند که همه کسانی که آنان را مورد تحقیق جدی قرار می دهند آنرا بپذیرند. او همچنین کمال مطلوب هر علم را نیل به عینیت می داند.

عینیت ((objectivit)) به معنای واقعیت یا حقیقت است و برابر آن ذهنیت ((Subjectivit)) به معنای ذهنی و تصویری است. عینیت به این مفهوم است که رویدادها دارای ویژگی ها و خصوصیتی باشند که از طرف همه پژوهشگران قابل پذیرش باشند، جدای از نظرات شخصی و اعمال سلیقه و بتوان آن را به دیگران هم منتقل کرد. در این مقوله مورخ باید این توانایی را داشته باشد که بتواند رویدادی را همانطور که اتفاق افتاده به دیگران منتقل کند.

والش عینیت را یکی از گیج کننده ترین مسائل در فلسفه انتقادی می داند. در رابطه با نظر والش باید یاد آور شد با توجه به تاریخ چاپ این اثر در ایران (۱۳۶۳) در زمان حاضر نباید هنوز هم عینیت را یکی از گیج کننده ترین مباحث بدانیم، چرا که زمانی این ویژگی برای عینیت مطرح شده که، علمیت تاریخ در گرو قبول و اثبات عینیت آن بوده است. اینک که تاریخ جایگاه خود را در معارف بشری پیدا نموده و روش های مطالعه آن نیز مشخص شده است، دیگر نباید عینیت را مبحث بسیار پیچیده ای بدانیم. مساله مورد اختلاف بین متفکران در مورد عینیت، بر سر معنای لغوی عینیت نیست، بلکه بر سر این موضوع است که آیا عینیت در تاریخ دست یافتنی است یاخیر؟ اگر بپذیریم تاریخ می تواند مانند علوم دیگر به عینیت دست یابد، می باید به این سؤال جواب داد که، چرا نتایج مطالعات تاریخی یکسان نیست؟ و اگر بگوییم تاریخ به عینیت دست پیدا نمی کند باید به سؤال دیگری جواب دهیم و آن اینکه آیا عدم دست یابی به عینیت در تاریخ، اعتبار تاریخ را زیر سؤال نمی برد؟

لذا برای درک بهتر این موضوع ابتدا باید مفاهیمی که در عینیت با آن سر و کار داریم روشن کنیم. عینیت یعنی چیزی که ما به ازای خارجی داشته باشد و در برابر ذهنیت قرار می گیرد. اما ذهنیت به مفهوم تصویری و خیالی. اما وقتی ما صحبت از ذهن مورخ می کنیم، منظورمان ذهن خیال پرداز نیست بلکه منظورمان ذهنی است که عقل بر آن حاکم است. واژه دیگر واقعیت است و حقیقت. ما در تاریخ به دنبال آن نوع حقیقتی که فیلسوفان در جستجوی آنند، نیستیم. تاریخ به دنبال شرح وقایع و بیان علل آن است. حقیقت یعنی، آنچه باید باشد و واقعیت یعنی آنچه هست. ما در تاریخ دنبال این نیستیم که بدانیم اگر نادر به هند حمله نمی کرد، چه اتفاقی می افتاد؟ بلکه می خواهیم بدانیم نادر چرا به هند حمله کرد و نتایج این امر چه بوده است؟ در تاریخ هر گونه تلاشی که برای رسیدن به واقعیت صورت گیرد به مفهوم رسیدن به حقیقت است. به بیانی دیگر حقیقت یعنی اینکه بدانیم آن رویداد چگونه اتفاق افتاده است؟ در سال ۱۸۲۴م لئوپلد فون رانکه مورخ آلمانی ضمن تعریف معرفت عینی نسبت به گذشته در صدد بود ثابت کند بدرستی گذشته چگونه بوده است. شاید بتوان اظهار داشت از آن پس بحث عینیت بطور جدی تری در تاریخ مطرح گردید و در این ارتباط مورخان صاحب دو دیدگاه کاملاً متفاوت با یکدیگر شدند. عده ای تاریخ را عینی و حقیقی دانستند وعده ای آنرا غیر عینی و نسبی قلمداد کردند (کناررودی، ۱۳۸۷).

اصل عینیت

در این اصل بیان می شود که در ارائه گزارش های حسابداری باید از داده های عینی، سنجیدنی و واقعی استفاده شود. به بیانی دیگر، حسابداران، گزارش ها و سیستم های حسابداری را دقیق و بدون تکیه بر ذهنیت خود ارائه دهند. حسابدار باید از داده های عینی خود به جای داده های ذهنی در همه جا استفاده کند و حتی زمانی که داده های عینی نتیجه مطلوبی نداشته باشد و داده های ذهنی بهتر باشند. اصول پذیرفته شده حسابداری توسط قوانین و قراردادهایی نشان داده می شود. این اصول به احتمال زیاد صورت های مالی شرکت اطلاعات موثقی در مورد نتایج عملکرد و موقعیت مالی آن ارائه می دهند، که هر یک از آنها در فرایندهای تصمیم گیری مفید هستند. بنابراین ضروری است که اطلاعات ارائه شده عینی باشد به این معنی که بی طرفانه و فارغ از ارزیابی ذهنی باشد. عینیت مستلزم این است که اندازه گیری های ارائه شده در صورت های مالی بر اساس شواهد قابل تایید مانند یک ردیابی الکترونیکی یا کاغذی باشد که از معاملات ارائه شده در صورتها پشتیبانی می کند. از نظر عملی، ویژگی اساسی هر اندازه گیری در عبارات این است که نتیجه ای یکسان توسط دو ناظر مستقل بدست می آید، که تحت تاثیر دیدگاه ها یا برداشت های شخصی نیست.

مفهوم عینیت در حسابداری

عینیت به عنوان یک مفهوم در رابطه با پدیده‌هایی است که در حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. عینیت را می‌توان در قالب واقعیت خارجی، در تضاد با ذهنیت، عینی بودن ادراک یا تفکر و شناخته شده به عنوان مستقل از ذهن تعریف کرد (شرف الدین و همکاران، ۱۳۹۵ و وجداک، ۱۹۷۰). عینی بودن اندازه گیری‌های حسابداری معمولاً به عنوان یک معیار مهم برای انتخاب روش‌های اندازه گیری در نظر گرفته می‌شود. مفهوم عینیت برای اندازه گیری اساسی است. عدم حضور آن در یک رشته، اثبات روشنی است که این رشته یک رشته اندازه‌گیری نیست. از آن جا که حسابداری به عنوان یک رشته اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود، بنابراین شواهد عینی قابل تأیید به عنصری مهم در حسابداری برای اجرای صحیح عملکرد حسابداری تبدیل شده است (عبداللهی و جان محمدی، ۱۳۸۹).

عینیت به واقعیت خارجی اشاره دارد که مستقل از افرادی است که آن را درک می‌کنند. افزون بر این، واقع گرایانه تر است که تعریف عینیت به معنای توافق بین گروه معینی از اندازه‌گیرها بیان شود (لیانگ و ژانگ، ۲۰۱۹). صورت های مالی را می‌توان عینی دانست که هر فرد مطلع دیگری همان برداشت از موضوع دارد. حسابداران عینیت را به معنای بیان واقعیت ها بدون تحریف سوگیری شخصی توصیف می‌کنند. عینیت از نظر این حسابداران، مکانیزمی برای حذف قضاوت بود (ریلی، ۱۸۵۳). حقیقت و واقعیت اصلی‌ترین ریشه در مبانی اصل عینیت و بی طرفی است. عینی گرایی اساساً به این دلیل مطرح شد تا راهی مطمئن برای دستیابی به حقیقت باز کند (شرف الدین و همکاران، ۱۳۹۶).

عینیت در حسابرسی

یکی از مهم‌ترین وظایف حسابرسان در راستای حمایت از منافع جامعه، حفظ عینیت است. عینیت یک مقوله ذهنی و به معنای نداشتن هرگونه تعصب و جانب‌داری است. تحقق این امر مستلزم به‌کارگیری و استفاده از واقعیات و دخالت ندادن احساسات شخصی، تعصب و پیش‌داوری است؛ یعنی دو نفر با داشتن سطح تخصص مشابه در برخورد با واقعیات و شرایط، به نتیجه‌ای مشابه دست پیدا کنند. عینیت در حسابرسی به معنای نگرش ذهنی عاری از جانب‌داری در کار حسابرسی است که به

حسابرسان اجازه می‌دهد تا وظایف و برنامه‌های خود را در صورتی که در کار خود به آن معتقد هستند، انجام دهند (بادپا، ۱۳۹۸).

علت الزام اصل عینیت در حسابداری

اتکا به شواهد قابل تأیید در هنگام اندازه‌گیری نتایج مالی، مقایسه صورت‌های مالی بیش از یک دوره و بیش از یک شرکت را امکان پذیر می‌کند. این تنها در صورت عینی بودن اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی امکان پذیر است، که به نوبه خود اطمینان از یکپارچه و مطمئن بودن داده‌ها را فراهم می‌کند. فراموش نکنید که عینیت مستلزم آن است که حسابدار در روند تصمیم‌گیری که منجر به مستندسازی معاملات و ایجاد صورت‌های مالی می‌شود، بی‌طرف باقی بماند. این بدان معنی است که حقایق مالی گزارش می‌شود که از تعصبات شخصی عاری باشد. عینیت همچنین مستلزم این است که تهیه‌کننده صورت‌های مالی است که از نظر فکری صادق بماند. بدین معنی که وی سیاست‌های حسابداری را به روشی صحیح تفسیر می‌کند. بعلاوه، یک حسابدار که مسئول تهیه صورت‌های مالی برای مشتری است، باید از تعارض منافع در معامله با مشتری که مانع از برقراری رابطه شخصی یا تجاری بین حسابدار و مشتری است، جلوگیری کند.

سیاست‌گذاری حسابداری مطابق با عینیت‌گرایی

رابطه بین باورهای فلسفی و شیوه‌های اجتماعی پایدار در دستیابی به حقیقت عینی موثر است (سولومونز، ۱۹۷۸). با این حال، به هیچ وجه روشن نیست که حسابداری یا هر عمل اجتماعی دیگر، هرگونه باور فلسفی را پیش‌فرض می‌گیرد (رورتی، ۱۹۸۶). تغییر در آن باورها به طور کلی دلیل خوبی برای تغییر رویه‌ها نخواهد بود. به همین دلیل، در حالی که تصور واضحی از آنچه که باعث تحریف عقاید مانند باور مفید بودن حسابداری وجود می‌شود؛ بسیار دشوارتر است از اینکه چه چیزی باورهای فلسفی را جعل می‌کند (رورتی، ۱۹۸۶). گربوت (۱۹۷۳)، به رد ادعایی که حسابداری حقیقت مطلق را مطرح می‌کند، می‌پردازد. دیگر نمی‌توان به تحقیق حسابداری به عنوان نوعی حقیقت جوئی‌نگاه کرد (گربوت، ۱۹۷۳). و باید زمینه‌های جدید و قانونی بودن آن را فراهم آورد. لذا گربوت (۱۹۷۳) بیان کرد که سیاست‌گذاری قانون‌گذاری نه تنها اجتناب ناپذیر بلکه عادلانه و درست می‌داند. اکنون تعداد کمی از اندیشمندان با این پیشنهاد که باید این تصور ساده‌لوحانه که حسابداری جستجوی یک حقیقت منحصر به فرد است، رد شود (گربوت، ۱۹۷۲).

سولومونز (۱۹۷۸) قطعاً حق دارد در برابر دیدگاه گربوت در مورد اینکه حسابداری سیاسی که از حقیقت فاصله گرفته، مقاومت کند. حق مقاومت در برابر هرگونه پیشنهادی که ملاحظات سیاسی باید تعیین کند، استانداردهای حسابداری است. دستیابی به حقیقت عینی در عمل حسابداری باید مبتنی بر بین‌ذهنی باشد، در ارتباط بین افراد مرتبط با یک جهان مشترک نمی‌توان منافع و نیازهای انسانی را از مسائل سیاسی جدا کرد. حسابداری می‌تواند به عنوان شکلی از حقیقت جوئی حفظ شود. حسابداران مسئولیت محافظت و سنت‌ها، نهادها و روش‌هایی را که استقلال قضاوت آنها و قوانین حسابداری را حفظ می‌کند، برعهده دارند. جامعه حسابداری باید از عهده این مسئولیت عملی برآید، اما می‌تواند معیارهای سنتی عینیت، حقیقت و عقلانیت را ترک کند تا از خود مراقبت کند (جودکی چگنی، ۱۴۰۰).

چارچوب تجزیه و تحلیل تحقیقات حسابداری و دیدگاه های مختلف

همه رشته‌های علوم اجتماعی، از جمله حسابداری، را می‌توان با توجه به مفروضات مرتبط با ماهیت علم، دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی یا ذهنی، و در مورد ماهیت جامعه، دیدگاه مبتنی بر تغییرات منظم و با قاعده در مقایسه با تغییرات شدید افراطی، تجزیه و تحلیل کرد. دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی دارای مشخصاتی نظیر دیدگاه‌های اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی، جبرگرایی و شامل علوم دقیق می‌باشد و نیز قضاوت‌های ذهنی، شامل دیدگاه‌های غیر اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی اختیاری و نیز برمبنای اندیشه و عقل استوار است. قابل توجه است که از دیدگاه‌های مطرحه زیر، دیدگاه ساختارگرایی افراطی و کارکردگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه عینی هستند و نیز دیدگاه انسان‌گرایی افراطی و تفسیرگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه ذهنی هستند (لاریمی و محسنی ۱۳۹۳).

بارلو مورگان با استفاده از این دو بعد توانستند طرح منسجمی را ارائه کنند. که می‌توان بدان وسیله تئوری‌های اجتماعی را مورد بررسی و مطالعه قرار داد (ریان، ۱۹۹۲).

این طرح شامل چهار الگوی غالب متمایز و مشخص می‌باشد که عبارتند از:

- ۱) انسان‌گرایی افراطی، که وجه مشخصه آن تغییر شدید یا افراطی است و دارای دیدگاه عینی یعنی بدون اعمال نظر شخصی می‌باشد.
- ۲) تفسیرگرا، که وجه مشخصه آن قضاوت ذهنی، اعمال نظر شخصی، و دارای ابعاد مبتنی بر نظم و قاعده مشخص می‌باشد.
- ۳) کارکردگرا، که وجه مشخصه آن ابعاد عینی، بدون اعمال نظر شخصی، و نظم و مقررات مشخص می‌باشد.
- ۴) دیدگاه ساختارگرا، که وجه مشخصه آن از دیدگاه عینی تبعیت می‌کند و تحت تأثیر افکار مارکس قرار دارد.

دیدگاه انسان‌گرایی افراطی در حسابداری

این دیدگاه به مکتب انتقادی نیز شهرت دارد و انسان‌گرایی یا اومانسیسم افراطی به ایجاد جامعه‌شناسی یعنی تغییر بنیادی از دید ذهنی گرا توجه دارد. این پارادایم وجوه اشتراک زیادی با پارادایم تفسیری دارد. یعنی این پارادایم نیز جهان اجتماعی را از دیدگاهی متمایز به غیر اثبات‌گرایی، اختیارگرایی و ایده‌نگاری می‌نگرد ولی چارچوب مرجع این پارادایم به دیدگاهی از جامعه تاکید می‌کند که بر اهمیت طرد کردن یا رفتن به فراسوی محدودیت‌های ترتیبات اجتماعی موجود پایند است.

دیدگاه تفسیری در حسابداری

دیدگاه تفسیری در حسابداری به گونه‌ای است که بر توضیح نظم اجتماعی از دیدگاه یک ضد اثبات‌گرا، آزاد اندیش و اندیشه‌نگار نگاه می‌کند. در حسابداری هدف این است که تجربه ذهنی شخصی افراد درک شود. طرفداران این دیدگاه معتقد به بکارگیری روش‌های کیفی در تحقیق هستند. زیرا از نظر آنها قانون کلی بر پدیده‌ها حاکم نیست و در نتیجه تعمیم نتایج مد نظر نخواهد بود. تفسیرگرایان معتقدند که انسان دارای اختیار است و می‌تواند بر محیط پیرامون خود اثر گذارد.

از دیدگاه طرفداران تفسیر، حسابداری چیزی بیش از تعدادی نام، مفاهیم و عنوان نیست که برای یک واقعیت اجتماعی ساخته می‌شوند. واقعیت اجتماعی بر اساس قضاوت ذهنی خلق می‌شود و از مجرای روابط متقابل انسانی به منصف ظهور می‌رسد. همه

اعمال مبتنی بر نیت‌های گذشته هستند و ریشه در عملیات تاریخی و اجتماعی دارند. از دیدگاه روش‌شناسی برای تایید یا تصویب تعریفی را که ایفا کننده نقش از این مسئول باشد، باید از روش‌های اندیشه‌نگاری استفاده کرد و به مطالعه درونی پدیده‌ها پرداخت قابل توجه است که پارادایم تفسیری محصول مستقیم سنت ایده‌الیستی آلمانی و نیز جنبش رومانیتیک است (لاریمی و محسنی، ۱۳۹۳).

دیدگاه کارکردگرایی در حسابداری

دیدگاه کارکردگرایی دیدگاه غالب، در تحقیقات حسابداری است. کارکردگرایی در صدد توجیه و توضیح نظم اجتماعی است. نظمی که در آن حسابداری نقشی مهم ایفا می‌کند. دیدگاه مزبور با نظمی اثر بخش سر و کار دارد که مبتنی بر مدارک عینی است. در دیدگاه کارکردگرایی، نظم اجتماعی به عنوان یک فرض مسلم پذیرفته شده است و به اندیشه حاکم و وجود تضاد و تعارض در این نظم هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. کارکردگرایان معتقد به اثبات‌گرایی و استفاده از آزمون‌های کمی که امکان تعمیم دادن نتیجه‌ها را می‌سازد، برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها هستند. آنها معتقد به وجود واقعیت‌های اجتماعی بیرون از ذهن انسان بوده و معتقدند که جهان اجتماعی از روابط تجربی نسبتاً دقیقی تشکیل شده است و در صدد کشف این روابط هستند. کارکردگرایان به پدیده‌های حسابداری از این زاویه نگاه می‌کنند که قابل لمس، واقعی و حقیقی می‌باشند و دارای نظم مشخص و روابط علی است به گونه‌ای که می‌توان بر اساس روش علمی آن را اندازه‌گیری یا پیش‌بینی نمود.

کارکردگرایان معتقد به جبرگرایی هستند بدین معنا که انسان از خود اختیاری ندارد و فعالیت‌های او تحت تاثیر محیط است. همچنین آنها معتقدند برای انجام تحقیق روی پدیده‌ها باید از بیرون و به طور بی طرف به مطالعه آن پدیده پرداخت. کارکردگرایان معتقد به بکارگیری روش‌های علوم طبیعی در علوم اجتماعی هستند و از نظر آنها تئوری چیزی جدا از مشاهداتی است که می‌توان برای تایید یا رد یک تئوری به کار برد. این دیدگاه عملگرا می‌باشد و جامعه را به شیوه‌ای که منجر به دانش کاربردی می‌شود، می‌نگرد (لاریمی و محسنی، ۱۳۹۳).

دیدگاه ساختارگرایان در حسابداری

این پارادایم که تحت تاثیر افکار جامعه‌شناس معروف مارکس است، از جامعه‌شناسی تغییر بنیادی و از دیدگاه عینی گرا جانبداری می‌کند. این پارادایم در مورد ماهیت علوم اجتماعی شباهت زیادی به کارکردگرایی دارد. ساختارگرایان بنیادی بر روابط ساختاری در جهان اجتماعی واقع‌گرا توجه دارد. این دیدگاه معتقد است که سلطه و استبداد در ساختارها و نهادها، نهادینه شده است و برای رهایی از وضع موجود و دسترسی به وضعیت بهتر باید در صدد اصلاح و یا از بین بردن این ساختارها بود. وجه مشترک تمام نظریه پردازان این پارادایم آن است که جامعه کنونی را می‌توان با تضادهای بنیادی حاصل از بحران‌های سیاسی و اقتصادی تغییر بنیادی توصیف کرد. از طریق چنین تضادهای و تغییراتی است که رهایی انسان از ساختارهای اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، تحقق می‌یابد. دیدگاه ساختارگرایان افراطی در حسابداری به گونه‌ای است که از زاویه واقع‌گرایان، اثبات‌گرایان طرفداران فلسفه جبر و طرفداران علوم دقیق می‌کوشند نظم اجتماعی را به چالش بکشند. طرفداران این دیدگاه با استفاده از تجزیه و تحلیل تعارض‌ها یا تضادهای ساختاری الگوهای حاکم، اختلاف نظرها و محرومیت‌ها در صدد تغییرات مهم برمی‌آیند، دست به اصلاحات اساسی و تغییرات زیربنایی می‌زنند (لاریمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳).

پیشینه تجربی

با نظر به اهمیت عینیت‌گرایی در حسابداری پژوهشگران خارجی نسبت به پژوهش‌های داخلی توجه بیشتری به این مسئله داشتند. بطور مثال، یافته‌های چمبرز (۱۹۶۴) حاکی از آن است که فقط زمانی می‌توان ادعای عینیت کرد که بدانیم چه اندازه گیری می‌کنیم.

ایجیری و جدیکی (۱۹۶۶) در پژوهش خود بیان کردند که ویژگی عینیت در کاهش اجرای ناکارآمد نقش موثری دارد. سولومونر (۱۹۷۸) بر این باور است که دستیابی به حقیقت عینی در عمل حسابداری باید مبتنی بر بین ذهنی باشد. شاپیرو (۱۹۹۷) در مطالعه خود بیان کرد که عینیت معرفتی مطلق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قضاوت‌های حسابداری تحت تاثیر عوامل شخصی و زمینه تاریخی است.

مورگان (۱۹۸۸) بیان می‌کند تنگناهای علمی و ذهنی می‌توانند توانایی حسابداران را در بازنمایی واقعیت به طور منصفانه و عینی اندک کرد. حسابداران در بیشتر موارد خود را در یک وضعیت عینی، عاری از ارزش و بازنمای واقعیت همانطور که هست، مشاهده می‌کنند؛ اما به راستی، آنها ذهنی: ارائه‌دهنده و بازنماکننده موقعیت‌ها در تنگنا و روش‌های یکسویه هستند. نتایج مطالعات ریان (۲۰۰۳) بیانگر آن است که توجه به مساله عینیت‌گرایی بر تدوین استانداردها و قوانین نقش اساسی ایفا می‌کند.

ماک (۲۰۰۴) بیان می‌کند عینیت در حسابداری واقعیت خارجی است که مستقل از رویه‌های گزارشگری مالی بازنماکننده آنها است.

موسوتو (۲۰۱۱) در پژوهش خود بیان کردند که مطالعات در اندازه‌گیری حسابداری، فقدان ساختارهای رابطه‌ای تجربی را نشان می‌دهد که باید پایه‌ای برای اندازه‌گیری حسابداری باشد. این موضوع فقدان عینیت اطلاعات حسابداری را نشان می‌دهد. شاخصه‌های توسعه نظریه مالی نشانگر استفاده از اطلاعات اندازه‌گیری حسابداری به عنوان پایه‌ای برای توسعه آنها است. این نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری ذهنی در تئوری مالی گنجانیده شده است. در نتیجه، این وضعیت مالی به عنوان یک علم جهانی برای همه محققان و توانایی آن در ساخت مدل‌های دقیق تجارب مالی را زیر سوال می‌برد. این مقاله از اصول اندازه‌گیری بازنمایی برای برجسته کردن پیامدهای اطلاعات ذهنی در توسعه اصول و مفاهیم مالی استفاده می‌کند. این نشان می‌دهد که امور مالی، یک دانش جهانی نیست و مدل‌های دقیق تجارب مالی در حال حاضر قابل ساخت نیستند.

میریام (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان عینیت‌گرایی در دانش مدیریت و سازمان به این نتیجه رسیدند که حذف ذهنیات انسانی و اختیارات از دانش جریان اصلی در مورد تغییر سازمانی و مسائل اجتماعی به طور گسترده تر مشکل‌ساز است. ماسمینی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود بیان کردند که رویه‌های حسابداری که بر گزارش‌های حسابداری تأکید دارند، باید با عناصر مکالمه یا گفتگو متعادل شود، نه فقط ادعای عینیت.

متعاقباً، تعداد اندکی از پژوهشگران داخلی به موضوع عینیت‌گرایی توجه ویژه‌ای کرده‌اند. به عنوان مثال کنارودی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با تبیین مفهوم عینیت، جایگاه آن را در مطالعات تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد و به موانع دستیابی به آن می‌پردازد. هاشمی و میرزایی (۱۳۹۵) در پژوهش خود عنوان کردند که مطابق با دیدگاه بازنمایی‌گرایی، عینیت در حسابداری یک واقعیت خارجی می‌باشد. همچنین از دیدگاه مقابل، بر اساس دیدگاه ضد بازنماگرایی با رد وجود هر گونه باور و پیش فرض فلسفی برای حسابداری، پایه عینیت در حسابداری را بین ذهنی دانسته‌اند. متوسلی و رستمیان (۱۳۹۶) از دیدگاه مقابل یعنی ذهنی‌گرایی به موضوع پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که مساله ذهنیت با زمینه نهادی در نظریه‌های اقتصادی

نقش مهمی را ایفا می‌کند. همچنین، بادپا (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که عینیت حسابرس به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث حسابرس در تدوین استانداردهای حسابرسی نیازمند سناریوی‌های مختلفی برای اندازه‌گیری هستند.

نتیجه‌گیری

عینیت به عنوان یک مفهوم در رابطه با پدیده‌هایی است که در حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. عینیت را می‌توان در قالب واقعیت خارجی، در تضاد با ذهنیت، عینی بودن ادراک یا تفکر و شناخته شده به عنوان مستقل از ذهن تعریف کرد (شرف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۵ و وجداک، ۱۹۷۰). عینی بودن اندازه‌گیری‌های حسابداری معمولاً به عنوان یک معیار مهم برای انتخاب روش‌های اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود. مفهوم عینیت برای اندازه‌گیری اساسی است. عدم حضور آن در یک رشته، اثبات روشنی است که این رشته یک رشته اندازه‌گیری نیست. از آن جا که حسابداری به عنوان یک رشته اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود، بنابراین شواهد عینی قابل تأیید به عنصری مهم در حسابداری برای اجرای صحیح عملکرد حسابداری تبدیل شده است (عبداللهی و جان محمدی، ۱۳۸۹). دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی دارای مشخصاتی نظیر دیدگاه‌های اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی، جبرگرایی و شامل علوم دقیق می‌باشد و نیز قضاوت‌های ذهنی، شامل دیدگاه‌های غیر اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی اختیاری و نیز برمبنای اندیشه و عقل استوار است. قابل توجه است که از دیدگاه‌های مطرحه، دیدگاه ساختارگرایی افراطی و کارکردگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه عینی هستند و نیز دیدگاه انسان‌گرایی افراطی و تفسیرگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه ذهنی هستند (لاریمی و محسنی ۱۳۹۳).

منابع

۱. جودکی چگنی، زهرا، (۱۴۰۰)، عینیت‌گرایی در حسابداری، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۸
۲. لاریمی، سید جعفر، محسنی، ابراهیم، (۱۳۹۳)، تحقیقات تفسیری حسابداری، چالش‌ها و فرصت‌های تحقیق در حسابداری، پژوهش حسابداری، شماره ۱۴
۳. فروغی، داریوش، رهروی دستجردی، علیرضا (۱۳۹۸)، معرفی جایگزین‌هایی برای شیوه تفکر در حسابداری: رویکرد انتقادی و تفکر بینابینی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۲، صص ۲۹-۴۴
۴. کنارودی، قربانعلی، (۱۳۸۷)، عینیت و جایگاه آن در مطالعات تاریخی، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال سوم، شماره دهم
۵. شرفالدین، حسین، کوهی، احمد، (۱۳۹۶)، تطورات اصل عینیت‌گرایی و بی‌طرفی در اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها، دین و سیاست فرهنگی، شماره هفتم، صص ۹۵-۱۳۰.
۶. عبداللهی، محمدعلی، جان محمدی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، واقعیت‌های نهادی از دیدگاه جان سرل، متافیزیک، شماره ۲، صص ۱-۲۲
۷. بادپا، بهروز، (۱۳۹۸)، بررسی شاخص‌های اندازه‌گیری عینیت حسابرس، اولین کنفرانس بین‌المللی ترفند‌های مدرن مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری با رویکرد رشد کسب و کارها.
8. <https://beyram-kabir.ir>
9. Ijiri, Y., & Jaedicke, r. (1966). Reliability and Objectivity of Accounting Measurements. *The Accounting Review*, Jul., 1966, Vol. 41, No. 3 (Jul., 1966), pp. 474-483.
10. Liang, p. & Zhang, g. (2019). On the Social Value of Accounting Objectivity in Financial
11. Ambrosio, C (2014); Objectivity and Visual Practices in Science and Art, In M. C.
12. Wojdak, j. (1970). Levels of Objectivity in the Accounting Process. *The Accounting Review*, Jan., 1970, Vol. 45, No. 1 (Jan., 1970), pp. 88-97.
13. Ryley, E.(1853). Experts against Objectivity: Accountants and Actuaries. here is no manufactory for actuaries where you can get one made to order.
14. Gerboth, D. L. (1972). 'Muddling through' with the APB. *The Journal of Accountancy*(May),42-49.
15. Gerboth, D. L. (1973). Research, intuition, and politics in accounting inquiry. *The Accounting Review*, XLVIII(3), 475-482.
16. Rorty, R. (1986). Pragmatism, Davidson and truth. In E. Lepore (Ed.), *Truth and interpretation: Perspectives on the philosophy of Donald Davidson* (pp. 333-368). Oxford:
17. Searle, J. (1995). *The construction of social reality*. London: Penguin Books.
18. Ryan, B, Scapens, R W & Theobald, M 1992, *Research method and methodology in finance and accounting*, Academic Press, London.